

### بقیة: عوامل انقلاب و شرش

این بوزش در دادگاه اسلام ارزش ندارد، زیرا گذشته براین که گواهی دهنده یک نفر است، اجتماع سه نفر که باهم آشنائی دیرینه دارند و یکی از آن سه نفر، دختر یکی است نمی تواند گواه بر توطئه آنان برقتل خلیفه باشد، شاید هرزمان در آن مجمع ابولولو را از قتل خلیفه نهی می کرده است. آیا یا حدس و تخمین و گمان می توان خون اشخاص را ریخت؟ و آیا اینگونه مدارک احتمالی در هیچ دادگاهی قابل قبول هست؟ این بوزش های نادرست سبب شد که قاتل هرزمان، مدتها آزاد زندگی کند و انتقام او از قاتل وی گرفته نشود ولی امام به او گفت اگر روزی بر تو دست یابم قصاص هرزمان را از تو بار می ستانم<sup>۱۳</sup> وقتی امام زمام امور را به دست گرفت عبیدالله از کوفه به شام گریخت امام فرمود اگر امروز فرار کند، روزی به دام می افتد، چیزی نگذشت که در بپرد صفین به دست امام، و یا اشتر، و یا عمار (به اختلاف تاریخ) کشته شد.

- ۱- سوره مائده آیه ۵۴ از سرزنش، سرزنش کنندگان نمی ترسند.
- ۲- الاستیعاب نگارش عبیده ج ۴ ص ۲۷۴
- ۳- طبقات ابن سعد ج ۵ ص ۱۷ طبروت
- ۴- انساب بلاذری ج ۵ ص ۲۴
- ۵ و ۶- سنن بیهقی ج ۸ ص ۶۱ چاپ افست
- ۷- قاموس الرجال ج ۹ ص ۳۵۵
- ۸- طبقات ج ۵ ص ۱۷
- ۹- انساب بلاذری ج ۵ ص ۱۳۶
- ۱۰- قاموس الرجال ج ۹ ص ۳۵۵ به نقل از الجمل تالیف مفید
- ۱۱- القدير ج ۸ ص ۱۴۱ ط نجف نقل از بدایع الصنائع ملک العلمای حنفی
- ۱۲- تاریخ طبری ج ۵ ص ۴۱
- ۱۳- انساب بلاذری ج ۵ ص ۲۴

آن نظر داد<sup>۱۴</sup> و می دانیم که هشام تا آخر عمر در راه ترویج اسلام و تشریح مبانی تشیع کوشش کرد و کارنامه درخشانی از خود

### بقیة: هشام بن حکم ...

و آگاهی کامل تشخیص بدهد، نقطه ضعفی بیادگار گذاشت که بخواست خدا، بتدریج سرمرده نمی شود، بلکه باید نقطه نهائی سیر آن را ورق خواهیم زد. فکری و عقیدتی او را در نظر گرفت و بر حسب

۱۴- هشام بن حکم سید احمد صفائی ص ۱۴- رجال مامقانی ج ۲ ص ۳۵۱



## ایات تشیع را ایرانیان بوجود آورده؟

بعضی از نویسندگان با تظاهر دروغین و بیمارگونه، به "روشنفکری" و "نژادپرستی" تاریخ و فرهنگ و هنر و مذهب و بالاخره همهٔ ارزشهای انسانی ما را بباد مسخره می گیرند.

### داوود الهامی

### آموزگار مطلق

غریبها، انسان، علم، فلسفه، تعلیم و تربیت، زندگی و اخلاق جدید، نظامهای اجتماعی و اقتصادی و رهبری سیاسی، ادبیات و هنر و زیباشناسی و سرانجام همه ابعاد زندگی را برای ما تفسیر و تصویر کرده اند البته آنچنان که خود می اندیشند و خود می خواهند، اینها، زیاد عجیب نیست، عجیب این است که غریبها می خواهند حتی عقاید دینی و مسائل مذهبی ما را هم برای ما تشریح کنند و ما هم برای شناخت دین و عقایدمان، و دیدن سیمای تاریخی و اسلامی و معنوی خودمان چشم و گوش به ایس "آموزگار مطلق" دوخته ایم و حتی گروهی از دانشمندان و محققان و نویسندگان ما صرف کنندگان کالاها و صادراتی ماشین فرهنگی غرب اند، محققان ما نیز مترجم آنها هستند!

این است که شرق شناسان غرب، به این فکر افتاده اند، تا بفهمند که ما ایرانیان چرا شیعه شده ایم؟ بالاخره اظهار عقیده کرده اند ما ایرانیان از آنجهت مذهب شیعه را پذیرفته ایم تا در زیر پرده تشیع معتقدات و آداب کهن خود را حفظ نمایم!

## دو دسته مغرض و بهانه‌جو

بندار غلط و نادرست اینها برای دو دسته "مغرض" و "بهانه‌جو". بهانه‌جو خوبی شده است، یکی بعضی از برادران متعصب اهل سنت که به عقیده خود خواسته‌اند بحث درباره شیعه را در افق وسعتی دنبال کنند، به نوشته‌های بیگانگان مانند "ولهنسو"، "رونلدس"، "دوزی"، "براون" و "هاتری آلمانی" و امثال اینها مراجعه می‌نمایند... و نوشته‌های آنها را برای خود مدرک اخذ می‌کنند.

چنانکه دکتر احمد امین مصری "همین کار را در کتاب خود" فجر الاسلام کرده است و به مذهبی که سرشار از حیات و حرکت و راستی و بیداری است و دارای حادیه نیرومند و اثر بخش معنوی می‌باشد نسبت‌های ناروایی داده است و با کمال بی پروایی درباره مذهبی که عقاید خود را بر پایه‌های استوار بنا نهاده، چنین نوشته است "حق اینست آئین تشیع پناهاگهی است که هر کس می‌خواهد اساس اسلام را برائز عداوت یا حسد درهم بگوید به آن پناه می‌برد. همچنین کسانی که می‌خواهند تعلیقات پسران یهودی و یا نصرانی یا زردشتی خود را وارد اسلام کنند اغراض شوم خود را در پناه آئین تشیع انجام می‌دهند"<sup>۱</sup>

پایه تحقیقات بی‌اساس احمد امین دوجیز است نخست اینکه تشیع یک فکر ایرانی است، دوم اینکه افکار جدیدالورود ایرانی در سده سوم "اسلام سلف صالح" را آلوده کرد.

متأسفانه بعضی از نویسندگان سعودی به گفته‌های بی‌دلیل آقای احمد امین جنبه تاریخی داده و گفتار بوهوم او را در باره تشیع، در کتابهای دبیرستانی خود آورده‌اند که از طریق محله مکتب اسلام و سایر موسسات شیعه به آن اعتراض گردید و تصمیم به حذف آن گرفتند.

علاوه بزرگوار مرحوم "شیخ محمدحسین کاشف العطاء" برای این تهمت‌های ناروا کتاب ارزشمند "اصل الشیعه و اصولها" را نوشته است<sup>۲</sup>

## تحقیقات ناشیانه و مضحک

گروه دیگر نژاد برستان و ناسیونالیست‌های منفی و شبه محققان ایرانی هستند، آنها که کارشان نشخوارکردن حرف‌های بی‌اساس فریسه‌پاست، گفته‌های آنان را در باره

بیدایش تشیع و ماهیت آن، وحی منزل دانسته و ادای مستشرقان بازاری و مقـرر خرا در می‌آورند.

مؤلف کتاب "تاریخ فرهنگ ایران" در باره شیعه بودن ایرانیان چنین می‌نویسد: "ایرانیان مطابق سنت تاریخی خود که سلطنت را و دیعه الهی و پادشاه را نماینده خدا بر روی زمین میدانستند، پس از انقراض ساسانیان عقیده به موروثی بودن خلافت در خانواده حضرت علی بن ابیطالب (ع) داشتند و مذهب شیعه را به وجود آوردند، بهمین جهت بنی امیه آنها را با نظر بغض و کینه می‌نگریستند و از امور دولتی دور می‌داشتند، بهمین سبب نیز ایرانیان و موالی (مسلمانان غیر عرب) و مومنین در تمام ۹۲ سال خلافت با آنها مبارزه می‌کردند..."<sup>۳</sup>

آری این، تحقیق یک استاد ممتاز دانشگاه تهران است یعنی کسیکه تمام منابع و مدارک مذهب شیعه را در اختیار دارد و اگر او با داشتن اینهمه منابع معتبر اینگونه درباره شیعه قضاوت کند دیگر از امثال احمد امین مصری، چه انتظاری می‌توان داشت، که به اعتراف خودش در موقع نوشتن (فجر الاسلام) به منابع و کتب شیعه دسترسی نداشته است<sup>۴</sup>.

یک استاد و محقق دیگر نیز در کتاب خودش "تاریخ ادیان" درباره انتشار شیعه علی در ایران، گفته‌های مستشرقین را رونویسی کرده و می‌نویسد "برای این امر، چند سبب است یکی آنکه علی بن ابیطالب در آغاز خلافت خود، محل خلافت را از مدینه به شهر کوفه منتقل فرمود، از این سبب به کشور ایران نزدیکتر شد و ایرانیان به او و اصحابش تقرب حاصل کردند.

دیگر آنکه از آن زمان که علی شاهزاده خانم ایرانی شهربانو- دختر یزدگرد سوم ساسانی را بهزواجت فرزند خود حسین بن علی درآورد.

دیگر آنکه، نزد ایرانیان از دیرباز عقیده به حق "سلطنت توارثی" رکنی بود و ریشه اصیل داشت این عقیده را پس از قبول اسلام نیز، با خود در دین نوین داخل کردند و مبانی کلامی و سیاسی خاصی بر روی آن بنیاد نهادند..."<sup>۵</sup> این نویسنده به دلیل راجع به شیعه بودن ایرانیان ذکر کرده است که فقط دلیل اول از خودش می‌باشد و آن دو دلیل دیگر را مستشرقان قبل از او گفته‌اند.

دلیلی که درباره انتشار شیعه در ایران آورده است، این است که چون محل خلافت به شهر کوفه منتقل شد ایرانیان بحضرت علی و اصحابش تقرب حاصل کردند و در نتیجه مذهب شیعه را اختیار نمودند.

آری اگر نزدیک بودن شهر کوفه ( محل خلافت علی ) باعث شیعه شدن ایرانیان باشد ، پایتخت عباسیان که درخود ایران بود و پیوسته عباسیان با ایران محشور بودند می بایست ایرانیان نسبت به خاندان بنی عباس علاقه و ارادت نشان دهند ، و مذهب آنان را بپذیرند .

مگر اینکه بگوئیم چون ایرانیان به محل خلافت نزدیک شدند ، علی و خاندانش را بهتر شناختند و به علت فضیلت و ارزشهای انسانیشان به آنها علاقمند گشتند . و از اینها عجیب تر سخنان نویسنده ای است که او ضمن بحث در اینکه تدریس تاریخ در مدارس ما خشک و مرده و سطحی است و باید زنده و اساسی و تحلیلی باشد ، می نویسد : " . . . ضمن مطالعه به این مطلب برخوردیم که پیدایش فرقه شیعه از ابتکارات فکر ایرانی و به خاطر حفظ استقلال ملی و شعایر باستانی او بوده است از آنجهت که امام حسین (ع) دختر آخرین پادشاه ایرانی را بزنی اختیار کرده بودند ، فرزندان ایشان و سپس فرزندان نشان از شاهزادگان و منسوب به سلسله های با عظمت ایرانی شمرده شده باین ترتیب دولت حکومت ایرانی و شعایر و افتخارات او تا بنین شده است و از آن به بعد کلمه " سید " هم که به اولاد ائمه اطلاق می شد در واقع جانشین کلمه شاهزاده گشته است . . . . "

ماهیت و اهمیت این ابتکار فکر و عاطفه ایرانی که برای حفظ ملیت او صورت گرفته با مطالعه بیشتر در مذهب قدیم ایران یعنی زردشتی و آداب و رسوم و سنتی که از آن دین دارد ریشه شیعه دین اسلام شده بهتر معلوم گشته و رابطه فرقه شیعه بنا تاریخ باستان ایران و همینطور دوره فعلی حیات ما روشن می شود ، یعنی درک می کنیم که چطور بعضی عقاید و سنن ایران باستان از طریق مذهب شیعه برای ما حفظ شده است " ۶

خوب ملاحظه می کنید تحقیقات یک نفر استاد دانشگاه در باره پیدایش مذهب شیعه بقدری از مرحله دور است که حتی یک کلمه هم با حقیقت وفق نمی دهد .

مفرضانه تر از این ، حرفهای بی اساس مولف کتاب " تمدن ایران باستان " است که او با تظاهر دروغین و بیمارگونه به " ملیت " به مفاخر تراشیده فاشیستی پرداخته و می نویسد

" اسلام برای ایران یک لقمه کوچک بود و لهذا ایرانی نمی توانست به آن قناعت کند ، و از طرف دیگر غلبه قوم وحشی عرب بر یک قوم با فرهنگ و تمدن باعث شد که ایرانی اصول اسلامی را تغییر شکل بدهد ، ادیب پیشاوری در این باره به " موریس برنو "

چنین اظهار داشته بود:

" با اصول اساسی اسلام را اقتباس کرده و آنها را با عادت و افکار و رسوم خود تطبیق داده ایم نیوغ ایرانی همینطور در مورد عقاید ارسطو رفتار کرد اصول و احکام قرآن را نیز تا آنجا که با روحیه او مناسب بوده اخذ و بقیه را رد یا تغییر شکل داده است "

باز " موریس برنو " در کتاب ( زیر آسمان ایران ) می نویسد " یک ایرانی ظریف و مطلع بمن گفت اسلام برای ما درست نشده بود اعراب آن را بر ما تحمیل کردند . اما ما عکس العمل نشان دادیم و همه کار را برای تغییر شکل دادن کیش فاجحیمان صورت دادیم ، تشیع ما در اصل جنبه سیاستش بیشتر از جنبه الهی بود و صورت جنبش برای اعتراض و دفاع ملی داشت . "

مولف کتاب " تمدن ایران باستان " بعد از نقل این مطلب از کتاب " در زیر آسمان ایران " نتیجه گرفته بنا بر این اسلام دو نوع است اسلام ایرانی و اسلام عرب ، اسلام ایرانی همان ، آیین زردشت است که لباس سیاه در بر کرده است و اسلام ایرانی همیشه عزا دارد و بیاد روزهای برافتخار سابق خود پیوسته سوگوار است .<sup>۷</sup> و سخنان دیگری شیعه به این بریشان گوئی های هذیان گونه .

چرا به کتب اصیل شیعه مراجعه نمی کنند ؟

راستی شگفت آور است چیزی که این نویسندگان به آن توجه ندارند و گویا فکر هیچکدام خطور نمی کند مراجعه به کتب اصیل شیعه است هرگاه واقعا این نویسندگان حسن نیت داشتند ، می بایست قبل از هر چیزی به منابع و مدارک دست اول شیعه مراجعه می کردند . امروز اگر کسی اینگونه مطالب را درباره شیعه در دور افتاده ترین نقاط عالم بنویسد ، مسلما معذور نیست بلکه در خور هرگونه سرزنش می باشد ، تا چه رسد که این مطالب را در مهید تشیع ( ایران ) نوشته باشند!

آیینی که منطقی ترین آیین های دنیاست و اساس مکتب و عقاید آری بر پایه های استوار بنا شده است ، مذهبی که مغز و حقیقت اسلام را تشکیل می دهد ، مذهبی که روز ولادتش با روز ولادت اسلام ، یکی است وقتی که انسان اینگونه بحثهای نویسندگان را درباره اصل پیدایش شیعه و انتشار آن در ایران می بیند ، بقول مرحوم " کاشف الغطاء " بیاد آن داستان عجیبی می افتد که " راغب اصفهانی " نقل نموده است ، می گویند .

کسی نزد "جعفر بن سلیمان" آمد و گفت فلان شخص کافر است گفت چه دلیل؟  
گفت او خارجی، مغزلی، ناصبی، حروری، خبری، زلفی است که به "علی بن خطاب" و "عمر بن ابی قحافه" و "عثمان بن ابی طالب" و "ابوبکر بن عفان" دشنام و ناسزا می‌گوید و نسبت به "حجاج" که کوفه را بر سر "ابوسفیان" خراب نمود و با حسین بن معاویه در روز قطف جنگ کرد بدگویی می‌کند.

جعفر بن سلیمان پس از شنیدن این عبارات سرایا غلط و مضحک گفت "خدا مرگت دهد، نمی‌دانم برچه چیز تو رشک بپریم و حسد بورزم؟ آیا براین علم ترشار تو به انساب، یا اطلاعات تو در زمینه ادیان و عقاید و مذاهب<sup>۸۰</sup>

کوتاه سخن آنکه این نویسندگان محقق نما با نظاهر دروغین به "روشنفکری" تاریخ و فرهنگ و مذاهب و حیثیت و همه ارزشهای انسانی ما را لگدمال کرده اند و می‌گویند "ایرانیان از آنجهت شیعه شدند که در زیر پرده تشیع معتقدات و آداب کهن خود را حفظ کنند، یعنی ایرانی در همه این مدت طولانی از روی نفاق و دورویی اظهار اسلام کردند و همه ادعاهای مسلمانیشان که تاریخ را بر کرده است و از هر قوم دیگر پیشروتر بوده اند دروغ محض است چهارده قرن است که دروغ می‌گویند و دروغ می‌نویسند و دروغ عمل می‌کنند، آیا اینان با حیثیت و شرافت ملت ایران و ایرانی بازی نمی‌کنند؟ ای کاش این وطن پرستان کاذب واقعا وطنخواه می‌شدند و درباره بیداشت مذهب شیعه و راز شیعه بودن ایرانیان، بجای اینکه به سراغ بیگانگان بروند، این موضوع را از یک ایرانی اصل و جهان دیده و از سرسلسله مسلمانان ایرانی و صحابی بزرگ "سلطان فارسی" می‌پرسیدند آن وقت خوب میفهمیدند، شیعه یعنی چه؟ و راز شیعه بودن ایرانیان چیست؟

سلطان فارسی سوزوز بعد از رحلت رسول اکرم (ص) در مقابل کسانی که امیر مومنان علی (ع) را ترک کرده بودند خطبه ای ایراد کرد و این حقیقت را فاش نمود که قسمتی از آنرا شیخ جلیل و محدث عالیقدر "ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی" از علمای قرن ششم هجری در کتاب "احتجاجات" خود نقل می‌کند بموجب آن خطبه تاریخی سلطان فارسی به مسلمانان بخصوص ایرانیان هشدار داده می‌گوید ای مردم سخن مرا گوش دهید و در اطراف آن نیکو بیندیشید و بدانید از شخصیت علی بن ابیطالب و مقامات او اطلاعات بسیاری دارم... سلطان پس از آن تمهاتی از مقامات عالیله و شایستگی آنحضرت را برشمرد و بعد از آن گفت ای مردم رسول خدا (ص) روی همین اصول

بقیه در صفحه ۵۸



پرفسور آرتور آربری، استاد سابق دانشگاه قاهره و کمبریج، که مسلط به زبان عربی و انگلیسی هردو بوده، یکی از بهترین مترجمین قرآن مجید به زبان انگلیسی است که ترجمه او اخیرا در ایران نیز در یک مجلد چاپ و منتشر شده است.

آنچه را که در زیر میخوانید، خلاصه‌ای از مقدمه آربری بر جلد دوم آن ترجمه است که توسط آقای "دکتر احمد احمدی" بفارسی برگردانده شده است.

این مقدمه آغاز نیمه دوم از ترجمه جدید قرآن است و پایان یک مرحله از کار را نشان می‌دهد که در نهاد و طبیعت از زمره کارهای پایان ناپذیر است. ماههای بسیار بر من گذشت که در تمام این مدت، قرآن انیس دائمی و موضوع آگاهانه ترین تحقیق من بود. بسیاری ادعای می‌کنند قرآن را بارها خوانده‌اند و آنرا خوب می‌دانند اما به عقیده من می‌توان گفت که فهم و ارزیابی آنها از این کتاب، برای کسی که بخواهد آنرا در حد کمال ممکن و با دقت و امانت ترجمه کند، نارسا است، خود من بیش از آنکه به کار ترجمه قرآن بپردازم سالهای متعددی آنرا از آغاز تا پایان به دقت تمام خوانده بودم و به یقین تلاش پیگیر و منظم جهت یافتن بهترین معادل انگلیسی برای هر یک از معانی و آهنگهای متن عربی، آنچنان تعمقی به من داد که بتوانم تا قلب قرآن نفوذ کنم و در عین حال درایت

کردش خون انسان اثر میگذارد ، و باز او میگوید

رشد و پرورش بدن بر حسب عوامل خارجی براههای مختلف متوجه می شود ، و خصایص ذاتی خود را بکار می اندازد ، یا عاقل می گذارد . بدیهی است که زمینه های ارثی عمیقاً تحت تاثیر تربیت و پرورش قرار می گیرند .

آری ، پیامبران نیامده اند تا رنگ پوست و رنگ چشم افراد را عوض کنند و بیماریهایی مانند جنون و گنگی مادر زاد را مداوا نمایند ، بلکه آمده اند تا جامعه را بر پایه ایمان بخدا تعلیم و تربیت کنند و به آنان بینش مذهبی دهند و استعداد های آنان را زنده نمایند و عقول افراد را بیدار سازند و غرایز گوناگون مردم را تعدیل و کنترل نمایند .

تاریخ نیز نشان میدهد که پیامبران بنیانگذاران مقدس و پایه گذاران واقعی تمدنهای بشری بوده اند ، و جوامع انسانی را در راه تکامل به جنبشهای عظیمی وادار نموده اند ، و انقلاب تکاملی اسلام خود یکی از نمونه های زنده اعمال قهرمانانه پیامبران است که صفحات تاریخ انسانها را زینت بخشیده است .

آیا میتوان نقش اسلام را در سازندگی تمدن جهانی بویژه ملت عرب نادیده گرفت . البته ما این نکته را انکار نمی کنیم که ملت هایی که از تعالیم انبیاء فاضله گرفته اند و دچار محیطهای ناسالم رهبران نالایق شده اند بتدریج دچار انحسار گشته اند و تعالیم پیامبران را تا حدودی بدست فراموشی سپرده یا دگرگون نموده اند ولی این انحرافها غالباً معلول وضع محیط و شرایط تربیت آنان بوده نه چگونگی زیاده و عوامل وراثت .

این بود بحث مختصری پیرامون تاثیر وراثت در شخصیت انسانی .

### بیت: تفسیر ...

و به جای گمان عقیده ، دست به استدلال منطقی زد و به طرف مخالف حالی کرد که این یک حکم قطعی است و اجرای آن بر هر مسلمانی واجب است .

عضی از افراد ضعیف و ترسو ، هنگامی که مثلاً در حلقه یک عده شرابخواری قرار می گیرند گاهی از ترس ملامت آنها همرنگشان می شوند و گاهی به این عذر که مشروبات به مزاج نمی سازد ، مثبت می گردند و ترک می کنند اما آنها در هر دو صورت خطاکارند باید حداقل با صراحت بگویند ما مسلمانیم و به همین دلیل شراب نمی خوریم همچنین در مورد واجبات و محرمات دیگر با وظایف مسلم انسانی و اجتماعی و سیاسی !

الگوهای جهاد و تقوا

علی اکبر حسینی

# هدف

بالا تر و بزرگ تر از همه چیز

او قهرمانی شکست ناپذیر بود ، و در بردباری و تحمل مشکلات و مصائب از کوه استوار تر ، و در ایمان و شهادت الگو و نمونه بود و در مبارزه برای هدف تلاشی بی گیر و خستگی ناپذیر داشت .

خواری و ذلت او می باشد .

علی (ع) جمله جالبی دارد که می فرماید مَا عَزَى قَوْمٌ بِي عَقْرٍ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا هیچ قومی در خانه اش نجنبیده مگر آنکه خوار و ذلیل شده است

آری سرانجام مسلمانان آماده نبرد با دشمن شدند و از مدینه به طرف دامنۀ احد پیش می رفتند بانوی قهرمان داستان ما چهار پسر جوان و برومند و شجاعش را در حالیکه غرق در اسلحه و عازم " اُحُد " هستند بدرقه کرد .

در گیر و دار این بدرقه بود که ناگاه متوجه شد تنها بازمانده خانواده ،

جنگ احد با همه تهدیدها و

دلبردها چهره کریه و شوم خود را بر جامعه نویای الملام و بر مردم مسلمان مدینه نشان میداد ، نخست بنا بود مسلمانان در داخل مدینه دفاع و جهاد بپردازند ولی سرانجام رسول گرامی اسلام تصمیم گرفت جنگ با کفار و مشرکان را به بیرون مدینه بکشاند زیرا جنگیدن در خانه مشکلات فراوان دارد که معمولاً توأم با شکست است .

ملتی که بنشینند تا دشمن نزدیک سرا برده اش بیاید و آنگاه در داخل خاک و خانه اش یا او بنبرد برخیزد ، نه تنها احتمال پیروزی او کم است بلکه موجب